

اخبار فرهنگی

شنبه ۷ تیر ۱۳۹۹
۵۱۴۴ هجری قمری
۲۷ ژوئن ۲۰۲۰
شماره ۹۷۸۸
ZENDIGI@QUDSONLINE.IR



دار الشفا

آهوانه، دل خوش کردهام به شما



رقیه توسلی: با وضو آمدهام. با اشک‌هایی که پی در پی فرو می‌افتند و سلام را می‌شکنند.

آمدهام از اندوه رها شوم؛ از جملا تی که جا خوش کرده‌اند سر حنجرهام. برای نمازی آمدهام که تلاطمم را بشوید؛ برای زیر سایه شما بودن.

امام خوبم! آمدهام جارو بکشم خودم را، بدی‌هایم را، جمیع دلتنگی‌ها را. در خیل یی از خانه‌های زمین را کوئیدم اما پیدا نکردم؛ خانه‌ای به مهریانی خانه‌تان پیدا نکردم.

سال‌ها ست جا گیر شدن کنار خیل زائرانت را دوست دارم و چشم دوختن به کبوتران صحن را. قالیچه‌های قرمز را دوست دارم. گلاب‌پاش‌هایی که هربار خادمان روی سسر زیارت‌نامه‌خوان‌ها می‌گیرند. سال‌ها ست حال معطر طرب‌انگیز خراسانتان را دوست دارم.

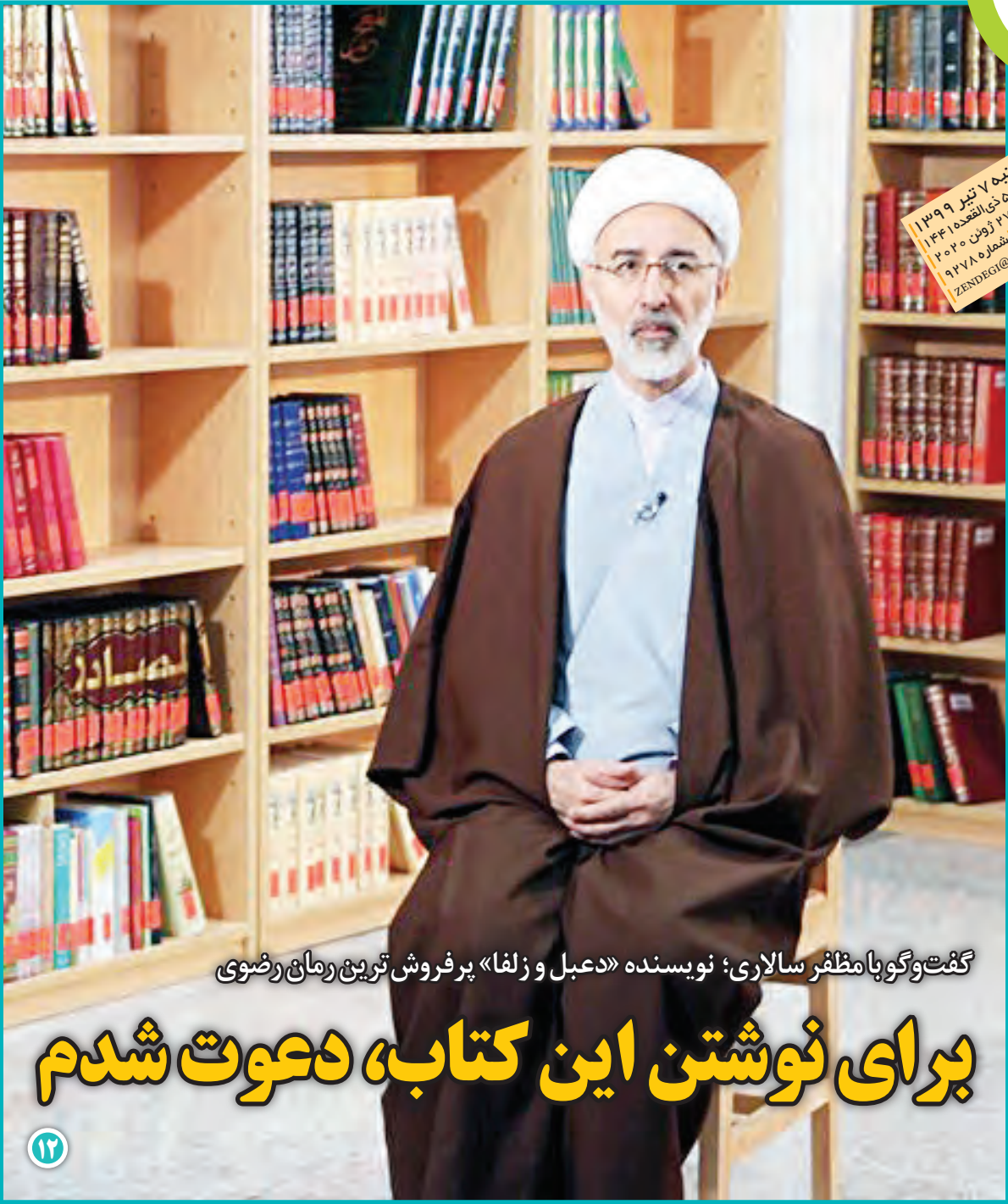
قبول دارید تابستان‌ها سفر به بهشت می‌چسبد؟ خاصه با آن نسیمی که تنها در کوی کریم شما جاری است.

آه‌ووار دل خوش کرده‌ام به شما آقا جان! به مرحمت خاندانی که گناهکار و خسته را پس نمی‌زند و رثوف بودنشان به همه می‌رسد و در احسانشان به روی عالم باز است. به شما که مشهدتان، حاجی هم می‌کند. به شما که خودتان غریب‌باید اما دست غریبه‌ها را آشنا می‌فشارید.

بیخش امام رضاجان اگر که تندتند توس واجب می‌شوم و دستب عشق را می‌چسبم و می‌آیم دل تکانی... می‌آیم در نجوای زوار غرق شوم... بیخش کم و زیاد نرم نمی‌شود و وقت و بی‌وقت... بیخش که هی در کوب می‌کوبیم.

گفت‌وگو با شیخ نافع موسی، از اعضای دفتر شیخ زکزاکی در مشهد، درباره ارادت شیعیان نیجریه به اهل بیت

ولادت حضرت رضا علیه السلام را در ۲۰ شهر نیجریه جشن می‌گیریم



گفت‌وگو با مظفر سالاری؛ نویسنده «دعبل و زلفا» پر فروش ترین رمان رضوی

برای نوشتن این کتاب، دعوت شدم

۱۲



۱۰

۱۲

ادب و هنر

نگاهی به رمان «دعبل و زلفا»

وجوه تأثیر گذاری ادبیات رضوی

شاعر «عشق پار هوقت» در گذشت

علیرضا راهب حوالی ساعت ۳ بامداد روز پنجشنبه، پنجم تیرماه در بیمارستان آتیه تهران از دنیا رفت. او به کرونا مبتلا شده بود، ولی علت درگذشتش ایست قلبی بود. راهب خود در صفحاتش در شبکه‌های اجتماعی از ابتلا به بیماری کرونا خبر داده بود و بامداد پنجشنبه با بحرانی شدن حالش به بیمارستان منتقل شد، اما درمان وی نتیجه‌بخش نبود و درگذشت. با هماهنگی‌هایی که با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال انجام است، مراسم تشییع علیرضا راهب فردا برگزار...



۱۱

معارف

تجربه‌نگاری کانون‌های فرهنگی - هنری برگزیده مساجد

روستایی که نامش با امام رضا علیه السلام گره خورده است



مجاز آباد

حاج قاسم هنوز زنده است

مدتی است که خانه طراحان انقلاب،

بامداد هر جمعه، حوالی ساعت ۱:۲۰

یعنی همان زمانی که حاج قاسم سلیمانی

به شهادت رسید، پوستری را از چهره

شهید سلیمانی در فضای مجازی به

اشتراک می‌گذارد. این‌بار هم مانند هر

هفته، حوالی ساعت ۱:۲۰ بامداد جمعه،

پوستر جدیدی از چهره سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی توسط خانه

طراحان انقلاب اسلامی در فضای مجازی منتشر شد. این پوستر از شهید

حاج قاسم سلیمانی با عنوان «حاج قاسم هنوز زنده است» از کانال تلگرامی

خانه طراحان انقلاب اسلامی با کاربران فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده

که می‌توانید آن را مشاهده کنید.



این هفته با نام «شهید بهشتی» گره خورده است

همزمان با آغاز هفته قوه قضائیه و هفتم

تیر، علی ربیعی، سخنگوی دولت در

جدیدترین پست توئیتری خود، ضمن

تبریک به مناسبت روز قوه قضائیه مطلبی

را درباره جایگاه و شخصیت آیت الله شهید

بهشتی و شهدای والا مقام هفتم تیر منتشر

کرد.علی ربیعی در حساب توئیتری خود

نوشت: «هفته قوه قضائیه را به رئیس محترم این قوه و همه قضاتی که با شرافت،

در عدالتخانه برای آراش، احساس امنیت و زیست عادلانه انسان‌ها تلاش

می‌کنند تبریک می‌گویم. این هفته با نام شهید بهشتی گره خورده است.»

جهاد ادامه دارد

از همان روزهای نخست شیوع کرونا در

کشورمان، طلاب جهادی در شهرهای

مختلف، برای انجام مراسم غسل و کفن

بیمارانی که بر اثر کرونا فوت می‌کنند،

داوطلب شدند. به‌تازگی و همزمان با آغاز

امتحانات مجازی دانشجویان، یک کاربر

شیعری پستی را در توئیتر به اشتراک

گذاشته که حضور یکی از همین طلاب جهادی در امتحان مجازی را نشان

می‌دهد. این کاربر با انتشار این تصویر در توئیتر نوشته است: «همچنان غسل و

کفن اموات فوت شده بر اثر کرونا توسط طلاب در شیراز انجام می‌شود! دیروز

در حین کار غسل و کفن، این خواهر طلبه از غسل‌خانه آمد بیرون، لپ تاپ را

باز کرد تا امتحان آنلاین بدهد. جهاد ادامه دارد.»



مظهر قدرت مردم

«نوری المالکی» رهبر ائتلاف دولت قانون

عراق در صفحه توئیتر خود در واکنش

به بازداشت اعضای کتاب حزب الله عراق

و حشدالشعبی نوشت: «حشدالشعبی

عناوین پیروزی مهمی دارد و مظهر قدرت

مردم و حاکمیت است و باید احترام و

به آن جایز نیست. این حکومت برای امنیت و نیروهای مبارزه با تروریسم» نیز

فرزندان ما هستند که به جهاد و پایداری آن‌ها افتخار می‌کنیم و بی‌احترامی به

این گروه و هر نیروی نظامی ملی تحت حاکمیت عراق جایز نیست.»

نامه فرهنگ

بوی پرچم سوخته



این سفارت، یک هدف کاری بر همه فعالیت‌های

دیپلماتیک، همیشه سایه انداخته است و آن،

خیانت همه‌سویه به ایران و ملت ایران است. در

همین کشاکش‌هاست که پرچم دولت آمریکا

در برابر سفارت آمریکا تحقیر و سپس سوزانده

می‌شود و این پرچم‌سوزی خیابانی و ناشی از کانون

قدرتمند احساسات ملی و دینی، به عنوان یک

رفتار اعتراضی ریشه‌دار به رسانه‌ها معرفی می‌شود.

جدایت پر دامنه و جهانی تسخیر سفارت، نمایش

پرچم‌سوزی آمریکایی را به عنوان یک رفتار جدید

ضد آمریکایی کاملاً جهانی می‌کند؛ تصویری که

هیچ قدرت سانسورکننده‌ای نمی‌تواند آن را محو

یا نادیدنی جلوه دهد.

چنین شد که پرچم‌سوزی آمریکا تبدیل به نشانه

آشکار مبارزه با سرمایه‌داری جنگ‌گرای جهانی

شده و با نمایش آتشین این پرچم پرچنایت،

خواهان ویرانی و محو آن از صحنه قدرت جهانی

شد.

اینک ۴۰ سال از آغاز این نمایش هیجان‌آمیز

خیابانی می‌گذرد و پنجه‌های قدرتمند تقدیر تاریخ

بشهر، خیابان‌های آمریکا را همانند خیابان‌های

تهران و سرزمین ما کرده است. در هر دو خیابان

یک پرچم به آتش کشیده می‌شود؛ یک پرچم

آتشین و سوزان در دل هیجان‌های تازه تولد یافته

ضد ستم و ضد تبعیض محو می‌شود.

آیا بوی سوختن پرچم ظالمان بزرگ و مشهور قرن

بیستم و بیست و یکم، جهانی شده است؟

آیا سنت انقلابی خیابان‌های ایران‌زمین به

خیابان‌های آمریکا رسیده است؟

آیا این پرچم‌سوزی جدید نشانه‌ای از تولد احساسات

جهانی ضد ظلم و تبعیض است؟ ظاهر این قصه

بزرگ و لرزاننده دولت آمریکا و تاریخ تمدن آمریکا،

قتل زشت و ناجوانمردانه یک سیاه‌پوست به‌نام

فلوید، توسط پلیس است. اما باید پرسید پلیس

ا سینیوا واحد بزرگ‌ترین و پرهیجان‌ترین حادثه

سیاسی قرن بیستم در تهران رخ داد. حادثه‌ای بزرگ

و پرکشش و پرچاذه به نام «تسخیر لانه جاسوسی».

۴۰ سال پیش، گروهی از دانشجویان انقلابی مسلمان،

در پی یک تصمیم شجاعانه و میهن‌خواهانه، سفارت

آمریکا در تهران را اشغال و آتشفشان اعتراض دائمی

و بدون پایان علیه آمریکا و سیاست‌های ضدبشری آن

را شعله‌ور کردند. آن‌ها با این «تسخیر بدون خشونت

و صلح‌گرایانه» چشم همه رسانه‌های کوچک و بزرگ

جهان را به سوی خویش جلب و نگاه همه اتاق‌های

خبر و سردبیران سیاسی رسانه‌ها را معطوف به تهران

و سفارت آمریکا کردند.

هیچ حادثه بزرگوری و بین‌المللی، در تمامی روزهای

بی‌شمار «قرن بیستم» به لحاظ قدرت تشعشع

رسانه‌ای و جذابیت‌های خبر آفرینی، قابل رقابت

و پهلوفرقتن در کنار این حادثه شگرف انقلابی

و دانشجویی نیست و نمی‌تواند باشد. حتی نبرد

بزرگ «ژمانسکی» که بزرگ‌ترین حادثه جنگی

«جنگ جهانی دوم» محسوب می‌شود و توسط

آمریکا طراحی و اجرا شد و امکان آزادی اروپا از

اشغال ارتش آلمان هیتلری را فراهم آورد، در برابر

قدرت ماجرای تسخیر سفارت آمریکا، کم‌رنگ و

کم شعله دیده می‌شود و توان خودنمایی و جلب

نگاه‌های بی‌شمار را هرگز ندارد.

آری، ۴۰ سال پیش، هنگامی که لانه جاسوسی

آمریکا در تهران تسخیر شد؛ هیچ کس فکر

نمی‌کرد در زیر چتر دیپلماسی بین‌المللی، یک

جریان قدرتمند جاسوسی علیه منافع میهن در این

سفارت در گردش است و مستقیم توسط سازمان

سیا کارگردانی می‌شود و این سازمان، موفق شده

طی سالیان حضور در سفارت، یک شبکه درجه یک

جاسوسی را در ایران سازماندهی کند و قدرت نفوذ

آمریکا و کاخ سفید را در بالاترین سطح نگه دارد.

دی‌ری نمی‌گذرد که احساسات ملی می‌پذیرد در



یادداشت‌های چرخدار

annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سیاهی یونسی

ر کابزنی حرم تا حرم (قسمت دوم)

بوق‌هایی که بدرقه راهمان می‌شود



روز رکابزنی می‌رسد. چهارشنبه بعد از نماز صبح همه در حال آماده شدن هستیم. در ادامه، از اردوگاه «ولایت» سایه خارج شده‌ایم و افتاده‌ایم توی جاده قم - تهران. در صبحی که خنکایش جان می‌دهد برای رکب‌زنی.

پیش می‌رویم و بوق ماشین‌های عبوری است که بدرقه راهمان می‌شود و من با خودم فکر می‌کنم حتماً بعضی از این ماشین‌های عبوری دوست دارند زائر امام رضاع) شوند یا از آن دسته آدم‌هایی هستند که نمی‌دانند ماجرا چیست اما دوچرخه‌ها را دیده‌اند و دلشان هوس دوچرخه‌سواری کرده و هر دو حس و حال برای من خوشایند است.

هوا که گرم و گرم‌تر می‌شود می‌رسیم به اولین سربالایی‌ها. من یاد دیروز می‌افتم وقتی داشتیم از حرم حضرت معصومه(س) برمی‌گشتیم، در حاشیه اتوبان، مردی عقب ماشین پرآید خودش ایستاده بود با یک طالبی در دست و ما را میهمان قاچ‌های طالبی کرد و بقدر آن قاچ‌ها چسبید. مرد می‌خواست اردانش را به ما دوچرخه‌سواری نشان دهد که روی لباس‌هایمان نوشته شده «گروه دوچرخه‌سواری ارادتمندان امام رضاع)».

نمساز ظهر را کنار جاده قم - تهران می‌خوانیم در حالی که «محمد جواد

محمدی» کوچک‌ترین عضو گروه ما، با ۱۰سال سن، مکبر است. کمی بعد

جلوتر در شهرک سسینمایی دفاع مقدس توقف می‌کنیم برای استراحتی

کوتاه. در حال استراحت در نمازخانه هستیم که برایمان میهمان می‌رسد.

خانواده رحمان محمودی! دوستی خانواده محمودی با گروه دوچرخه‌سواری

ارادتمندان امام رضاع) برمی‌گردد به سال ۱۳۹۱ و وقتی که گروه محمودی،

در مسیر مشهد همزمان با دهه کرامت با گروه دوچرخه سواری ارادتمندان

امام رضاع) همسفر می‌شوند.

این دو گروه در سال‌ها بعد، از تهران به هم می‌پیوندند و تا مشهد با هم رکاب

می‌زنند. امسال ا باز هم از گروه خواسته بود مثل سال‌های پیش، میهمان

خانه‌اش شوند. اما گروه به دلیل شرایط خاص کرونایی نتوانستند دعوتش را

اجابت کنند بنابراین خانواده «محمودی» با شربت و طالبی... به استقبالمان

آمده‌اند. آقای محمودی هم یکی از میلیون‌ها دلداه امام مهریانی‌ها حضرت

امام رضاع) است که می‌خواهد هر طور شده اردانش را به امام نشان بدهد.

دوستان گروه می‌گویند در سال‌های پیش در هر نوبت که میهمان آن‌ها در

یافت‌آباد شده‌ایم و شب را در مسجد محله آن‌ها سر کرده‌ایم، تعداد زیادی از

اهالی را در حرم استقبال ما می‌آیند و بارها در خانه‌شان پذیرای ما بوده‌اند.

ناله را در حرم امجدی(ره) می‌خوریم و بعد می‌رویم به شهر ری برای

زیارت شاه عبدالعظیم حسنی. اما قبل از آن گروه سرود عطر یاس حرم،

وابسته به سپاه سیدالشهدا که به استقبال آمده‌اند، ما را به دو سرود بسیار

زیبا میهمان می‌کنند.

در میان تماشا می‌مردم، به شب می‌رسیم در حالی که ۱۳۵ کیلومتر را رکاب

زده‌ایم تا برسیم به محل اسکان، شب را استراحت کنیم و فردا، تهران تا

گرمسار را رکاب بزنیم.

حاشیه کتاب

اصغر عباسی، کارگردان آگهی تبلیغاتی آثار ادبی:

آشتی کنون «کتاب» و «تصویر»



اثر ادبی دارد. اتفاقی که برای یکی از آثار مظفر سالاری افتاد و کتاب با اقبال مخاطب و چاپ‌های متعدد مواجه شد.

«رؤیای نیمه‌شب» که با نگاهی به زندگی امام‌زمان(عج) نوشته شد، تا به حال به بیش از ۹۰ چاپ رسیده و عده‌ای معتقدند تبلیغات تلویزیونی بر دیده شدن این اثر مؤثر بوده است.

اگر ابزار تصویر این‌قدر می‌تواند در معرفی یک اثر ادبی موفق باشد، چرا در گذشته ساخت‌هایی که اتفاقاً خود هم سازنده آن‌ها بوده‌ام، اسلامی نوشته می‌شود، این ابزار کمتر مورد استفاده قرار گرفته است؟

اصغر عباسی، سازنده تیزر تلویزیونی کتاب «رؤیای نیمه‌شب» که در ساخت این آگهی تبلیغاتی از حضور بازیگرانی چون تریا قاسمی، عباس غزالی و ماه‌چهره خلیلی استفاده کرده است، از سابقه ساخت آگهی‌های تبلیغاتی برای کتاب می‌گوید: پیش از آگهی تلویزیونی «رؤیای نیمه‌شب» و سپس از آن، تیزرهایی برای چند اثر ادبی ساخته شده که اتفاقاً خود هم سازنده آن‌ها بوده‌ام، اما هیچ کدام به اندازه تیزر کتاب «رؤیای نیمه‌شب» مورد توجه قرار نگرفت.

وی با ابرار رضایت از این تیزر، داستان کتاب را در موفقیت تیزر مؤثر می‌داند و توضیح می‌دهد: جدا از ساخت آگهی، داستان کتاب هم باید جذابیت‌های لازم را داشته باشد. «رؤیای نیمه‌شب»، داستانی عاشقانه و پرکشش داشت که در بستری از واقعیت رخ می‌داد و مخاطب را از روزمرگی‌ها دور می‌کرد.

به همین دلیل ما تلاش کردیم با استفاده از ترفند سفر در زمان، مخاطب را در بستری از اتفاقات روزمره زندگی، از فضای ذهنی‌اش دور کنیم . همین ترفند در فیلم‌ها مهم سینمایی جهان نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

عباسی در ادامه تصریح می‌کند: البته داستان در لایه‌های پنهان خود آنجا که ابوراحم، پدر دختر این قصه، نزد امام‌زمان(عج) می‌رود، سفر در زمان را در خود مستتر دارد و به همین دلیل هم سعی کردم از این ترفند در فرم و نمای تصویری بهره ببرم که مخاطب لذت دوچندانی ببرد.

این کارگردان در خصوص فرم و ساختار این آگهی تلویزیونی توضیح می‌دهد: من علاقه‌مند به سفر در زمان هستم، چه در تخیلات کودکی و چه در تجربیات سینمایی.

در همین زمینه فیلمی به نام «رؤیای صادق» – ساختم و دوستانی که این فیلم را دیده بودند، در سال ۹۵ پیشنهاد ساخت تیزری برای کتاب «رؤیای نیمه‌شب» را به بنده دادند.

وی در بخش دیگری از سخنانش در پاسخ به این پرسش که تا چه حد تصویر می‌تواند به کمک ادبیات بیاید و بین مردم و کتاب انس و علاقه ایجاد کند، اظهار کرد: بی‌شک بستر فضای مجازی و پلتفرم‌هایی که در قالب نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است، بر محور تصویر بنا نهاده شده است.

هر چه بخواهید معرفی کنید باید به تصویر رجوع کنید، البته مهم است این معرفی تا چه حد با ظرافت ارائه شود.

وی افزود: آگهی تبلیغاتی برای یک اثر به مخاطب کمک می‌کند با استفاده از ترفندهای سینمایی یا بخش‌هایی از کتاب آشنا شود و با آگاهی دست به انتخاب اثر بزند.

این فیلمساز در ادامه به دغدغه‌مندی مسئولان اشاره کرد و افزود: مقوله فرهنگ به دو عنصر هزینه و زمان نیاز دارد و نباید در کوتامسدت منتظر تأثیر فوری و آنی بر ایجاد ارتباط بیشتر بین ادبیات و تصویر بود، همچنان که در کشورهای غربی و رسانه‌هایی که با ما بیگانه‌اند از این داده‌ها استفاده کرده‌اند؛ هزینه می‌کنند و منتظر تأثیر می‌مانند.

عباسی گفت: دوران کنونی، دوران سرعت و فناوری است و دیگر نمی‌توان براساس آموخته‌های ۵۰سال پیش نسخه‌ای برای مشکلات امروزی پیچید. باید مخاطب‌شناس بود و دانشه‌شناسی کرد تا آشتی بین کتاب و تصویر را در بستری از سلامت پیش ببریم.

نام ها و یادها

شاعر «عشق پارموقت» در گذشت



علیرضا راهب حوالی ساعت ۳ بامداد روز پنجشنبه، پنجم تیرماه در بیمارستان آتیه تهران از دنیا رفت. او به کرونا مبتلا شده بود، ولی علت درگذشتش ایست قلبی بود. راهب خود در صفحاتش در شبکه‌های اجتماعی از ابتلا به بیماری کرونا خبر داده بود و بامداد پنجشنبه با بحرانی شدن حالش به بیمارستان منتقل شد، اما درمان وی نتیجه‌بخش نبود و درگذشت. با هماهنگی‌هایی که با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال انجام است، مراسم تشییع علیرضا راهب فردا برگزار خواهد شد.

علیرضا راهب، شاعر و ترانه‌سرا متولد سال ۱۳۴۶ در تهران و دانش آموخته رشته حقوق از دانشگاه تبریز بود. راهب، شعر را از سال‌های دهه ۶۰ آغاز کرد. به دلیل سکونت در تبریز در دوران دانشجویی به زبان ترکی هم مسلط بود و گاه آثاری از شاعران ترکیه نیز ترجمه می‌کرد.

«دو استکان عرق چهل گیاه» از نشر چشمه و «عشق پارموقت» از نشر نیماز، مجموعه شعرهای به‌جامانده از علیرضا راهب هستند. عمده‌ترین فعالیت ادبی راهب، حضور و بحث در انجمن‌های ادبی و جلسه‌های شعر به‌خصوص انجمن ادبی «ونداد» بود که خود آن را تأسیس کرد و مدیریت می‌کرد. در جلسات این انجمن که در کافه‌ها برگزار می‌شد، مباحث تئوری درباره شعر و دیگر هنرها، مباحث فلسفی، بخش موسیقی و نمایش فیلم جایگاه خاصی داشت و جلساتی که او برگزار می‌کرد، با همه جلسات معمول شعری و ادبی متفاوت بود.

گفت‌وگو با مظفر سالاری؛ نویسنده پر فروش ترین رمان رضوی

برای نوشتن «دعبل و زلفا» به حضرت رضا علیه متوسل شدم



روایت نویسنده

برای نوشتن این کتاب، دعوت شدم

گرفتند و گفتند: «مدیر این انتشارات با شما کار دارد. شما می‌توانید به تهران یا قم بیایید تا ملاقاتی صورت بگیرد؟» پرسیدم: «این نشر در کدام شهر فعالیت می‌کند که منوجه شدم در مشهد هستند. چند دقیقه بعد تماس گرفتند و گفتند دو بلیت تهیه می‌کنند برای من و همسرم که من از آن‌ها خواش کردم برای دو فرزندم هم بلیت تهیه کنند و خودم مبلغ را ببردارم . تلفن قطع شد، من هنوز با همسرم صحبت نکرده بودم که دوباره تماس گرفتند و گفتند همه ما میهمان حضرت هستیم و اتاقی برای ما در یک هتل نزدیک حرم در نظر گرفته‌اند.

این سفر خیلی به دل و جان ما نشست و قرارداد تألیف کتاب «دعبل و زلفا» هم بسته شد. من معتمد از ابتدا برای نوشتن این کتاب دعوت شدم.

خاطره‌ای دارم که ذکر آن بی‌لطف نیست. چهار سال پیش دخترم فاطمه که آن زمان مقطع دبستان درس می‌خواند، به من گفت ما امسال هم به مشهد رفتیم، اما دوستان من با هواپیما به مشهد رفتند، در حالی که من تا به حال سوار هواپیما نشدم. همسرم خندید و گفت: «من که مادرت هستم تا به حال سوار هواپیما نشدم». من خجالت کشیدم و به دخترم گفتم: «امام‌رضاع) امام رئوفی هستند و به بچه‌ها به‌ویژه دخترچیه‌ها عنایت ویژه‌ای دارند، از ایشان بخواه».

چند روز بعد از انتشارات «هنشر» وابسته به آستان قدس رضوی با من تماس



♦ **نوشتن رمان درباره معصومین(ع) کار آسانی است؟**

ابتدا لازم است تعریف درستی از رمان داشته باشیم. تفاوت رمان با افسانه و حکایت، در پرداختن به لحظه‌پردازی و جزئنگاری است و کندوکاو در نواقص و معایب شخصیت‌های بشری و تلاشی که شخصیت‌ها برای تحول و رشد دارند. شخصیت‌ها در موقعیت‌های داستانی، دچار تردید در جهان‌بینی و هدف زندگی‌شان می‌شوند و دست به انتخابی دیگر می‌زنند.

♦ **چطور این مشکلات و محدودیت‌های رمان را از بیسن می‌برید و وارد نوشتن از زندگی شخصیت‌معصومین(ع) می‌شوید؟**

درست است. رمان دارای محدودیت و ظرفیت اندکی است که نمی‌تواند در روایت زندگی معصومین(ع)، جذابیت‌های معمولش را برای خوانندگان حفظ کند. محدودیت دیگری نیز وجود دارد که مربوط به رمان نیست و آن امتداری و حفظ حریم معصومین(ع) است. کسی حق ندارد قول یا فعلی را بدون سند به ایشان نسبت دهد. در رمان نمی‌توان با دست باز به متن زندگی خصوصی و خانوادگی معصومین(ع) پرداخت. اما صرف نظر از این خط قرمز، می‌شود معصومین(ع) را در حاشیه رمان قرار داد؛ مانند کاری که من در دو رمان «رؤیای نیمه‌شب» و

روایت ناشر

مدیر انتشارات «به‌نشر»:

پوشش مطالعاتی، کتاب را به چهل چاپ رساند

ادب و هنر- جواد شیخ‌الاسلامی: انتشارات «به‌نشر» به عنوان ناشر زیرمجموعه آستان قدس‌رضوی با این انتقاد روبه‌رو بوده که در تولید آثار موفق رضوی عملکرد موثقی نداشته است. این نقد اگرچه هنوز هم بر بهنشر کم و بیش وارد است، اما در سال‌های اخیر عملکرد بهنشر رو به بهبود بوده و در دوره جدید نیز آثار خوبی در حوزه رمان و داستان منتشر کرده است. به بهانه دهه‌کرامت گفت‌وگوی کوتاهی با حسین سعیدی، مدیر انتشارات «هنشر» درباره برنامه‌های این انتشارات در دهه کرامت و دلایل موفقیت بعضی آثار به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

♦ **علت پر فروش بودن اثری مانند «دعبل و زلفا» چه بوده است؟**

رمان دعبل و زلفا استانداردهای لازم را برای یک رمان موفق داشت. این کتاب اگرچه زمانی است، اما زندگی‌نامه و یا بیان تاریخ صرف نیست. آقای سالاری تجربه موثقی در نوشتن رمان «رؤیای نیمه‌شب» داشت که این موجب شد برای نوشتن رمان «دعبل و زلفا» سراغ ایشان برویم. ایشان توانست‌اند در این اثر وقایع و رویدادها را به درستی با هم ادغام کنند، ضمن اینکه وقایع مربوط به دعبل، امام‌رضاع) و امام موسی کاظم(ع) را با استفاده از منابع دست اول دینی نوشته‌اند. یعنی آنچه مربوط به کلام و رفتار ائمه(ع) بود، کاملاً مستند بود. به دلیل اینکه کتاب شایستگی لازم را برای معرفی داشت، برای بخش کتاب با شرکت‌های بخش کتاب وارد مذاکره شدیم و کتاب را به همه کتابفروشی‌های معتبر کشور رساندیم تا کتاب دیده شد. علاوه بر این‌ها، پوشش مطالعاتی که در سال ۹۷ و ۹۸ ایجاد شد، موجب شد کتاب در همین بازه زمانی ۴۰ بار منتشر شود. ضمن اینکه در فضای مجازی و رسانه‌های مکتوب و تصویری هم تبلیغات لازم انجام شد. به هر حال هر آنچه برای دیده شدن یک اثر اعم از داستان خوب، نویسنده خوب و تبلیغات، نیاز دارد، این کتاب در اختیار داشت.

♦ **دغدغه نداشتن در خصوص تولید آثار رضوی انتقادی است که به «به‌نشر» وارد است. در خصوص این انتقادها چه توضیحی دارید؟**

تولید اثر شاخصی دینی مشکلات خاص خودش را دارد؛ نخست اینکه اثری که منتشر شده خیلی قوی نبوده و اگر هم قوی بوده است، محدود و کم بوده‌اند. البته این میحت نیاز به بحثی مفصل دارد، ولی ما در همین مدت کوتاهی که خدمت بهنشر

«دعبل و زلفا» کردهام. در این رمان‌ها و نمونه‌های دیگر، نویسنده به زندگی انسان‌های عادی می‌پردازد و سرر بزرگه، سخن یا کاری مستند از معصوم نقل می‌کند که نقطه‌عطفی در داستان می‌شود؛ یعنی معصوم یکی از شخصیت‌های فرعی رمان است که بدون آلوده شدن به تنازع و کشمکش‌هایی که در چاه طبیعت بشتری جریان دارد، نقش خود را در نقطه عطفی ایفا می‌کند.

راه دیگر آن است که چند نفری از شخصیت‌های رمان، روایت گوشه‌ای از زندگی معصوم باشند و هر کدام از زاویه دید خودش آن را روایت کند که با قرآنی مشخص شود دوست است یا دشمن یا ناآگاه. به نظرم باید تجربه‌های نویسندگان را در این باب گردآوری و تدوین کرد و شیوه کارآمدی ارائه داد. چنین شیوه‌نامه‌ای به نویسندگان، میدان و امکانات وسیعی می‌دهد و از تردیدشان برای ورود به این ساخت می‌کاهد.

♦ **داستان دینی از نظر شما چه تعریفی دارد؟**
داستان دینی از نظر من داستانی است که هنرمند دین‌دار آن را پدید آورده باشد؛ هر چند موضوعش الزاماً گزاره‌ای دینی نباشد. داستان ضددینی یا غیردینی آن است که فردی غیربولرمند آن را پدید آورده باشد. هر چند موضوعش درباره پیامبر(ص) باشد. نمونه افراطی‌اش «آیات شیطانی» است.

نگاهی به رمان «دعبل و زلفا»

وجوه تأثیرگذاری ادبیات رضوی



و مضامین پرمخاطبی دست یافت. البته باید به نقش مجوزی ناشر و رسانه‌ها در معرفی و شیوه بخش ایده‌ال کتاب نیز توجه داشت.
بسا تمام این اوصاف برخی نویسندگان آگاه چون حجت‌الاسلام و المسلمین مظفر سالاری با خلق اثر «دعبل و زلفا» توانست روزنه‌ای برای خلق رمان رضوی و دینی تأثیرگذار ایجاد کند.

رمان «دعبل و زلفا» براساس رویدادی تاریخی شکل گرفته است. داستان حسب حال زندگی دعبل، شاعر و ذاکر فضائل اهل‌بیت(ع) است که در زمان امامت امام‌رضاع) زندگی می‌کرد. نویسنده با پرداختن به ماجرای عاشقانه و حضور شخصیت زلفا، توانسته مخاطبان بی‌شماری را جذب کند. در این کتاب، مقاطعی از زندگی دعبل در زمان حیات امام موسی کاظم(ع) و امام‌رضاع) در قالب داستان به تصویر کشیده شده است.

رمان «دعبل و زلفا» نوشته حجت‌الاسلام و المسلمین مظفر سالاری با استفاده از مضمون بدیع و شیوه روایتی جذاب که عامل مهمی در فروش کتاب به حساب می‌آیند.

متأسفانه در دوره‌ای به سر می‌بریم که هیچ توجه‌ای به ادبیات خاصه ادبیات رضوی از سوی متولیان امور فرهنگی نمی‌شود. وزارت فرهنگ و ارشاد در راستای تقویت بنیه ادبیات رضوی چه اقدامی کرده است؟ این در حالی است که ما متأسفانه شاهد تهاجم تبلیغی زیاد به انتشار و ترویج رمان‌های صهیونیستی چون «تاکل‌کوب» آشویتس اثر هدر موریس در دوران کنونی هستیم.

داستان مقابله با انتشار سیر عظیم رمان‌های صهیونیستی خود حکایت دیگری است. اما آیا زمان آن نرسیده است که از تکرار برنامه‌های کلیشه‌ای چون برگزاری جشنواره رضوی دست برداشت و فکری تأثیرگذار برای ارتقای ادبیت ادبیات دینی کرد؟

♦ **با آنکه بسارگاه امام رضاع) در مشهد قرار دارد و حضور ایشان و زائران حضرت ظرفیت‌های داستانی زیادی ایجاد می‌کند، چرا ادبیات داستانی ما نتوانسته دینش را به امام‌رضاع) و فرهنگ رضوی ادا کند؟**

مهم‌ترین علت، نداشتن شسناخت درست از این فرهنگ است. علت دیگر آن است که در شرایط کنونی داستان‌نویس نمی‌خواهد خطر و سختی ورود به چنین ساحتی را ببپذیرد. نهادهای فرهنگی نیز از ورود به چنین ساحتی حمایت اساسی نمی‌کنند. باید حریم امنی برای نویسنده در نظر گرفته شود تا انگیزه و جرئت ورود پیدا کند. باید خط قرمزها را مشخص کنیم و در قرارداد قید کنیم که بیرون از دایره این خط قرمزها، نویسنده آزاد است. علت مهم دیگر این است که مبلغ قراردادها بسیار ناچیز است و به نویسنده فرصت تأمل کافی نمی‌دهد.

♦ **در داستان‌هایی که تاکنون با موضوع امام‌رضاع) خلق شده چه جنبه‌هایی از شخصیت و سیره ایشان مغفول واقع شده که ظرفیت برای کار داستانی داشته است؟**

هیچ سوزهای نیست که نتوان پرورش داد و از آن داستانی خوب ساخت. به عنوان نمونه نگاه کنید که من در رمان «دعبل و زلفا» چگونه از واقعه نه‌چندان مهم بیمار شدن امام در اهواز، بهترین استفاده را کرده‌ام.

یکی از ظرفیت‌های بزرگ، موضوع زائران و زیارت حضرت است. هر کس به زیارت آقا می‌آید و می‌رود، داستان بالقوای دارد. این خاطرات و سوزها مثل آب هزاران جویبار به هز می‌رود.

♦ **اقبال مخاطب به رمان‌های شما زیاد است. آیا این یک اتفاق است؟**

اتفاقی نیست. علاوه بر اینکه قصه جذابی را برای رمان در نظر می‌گیرم، از چاشنی‌هایی مثل عشق و طنز هم استفاده می‌کنم. در نوع روایت هم بیشتر نمایشی می‌نوسم تا خواننده بتواند داستان را مثل فیلمی تجسم کند و در ذهنش ببیند.

♦ **رمان‌های دینی چه جایگاهی در جریان‌های اصلی رمان‌نویسی دارند؟**

در تمام دنیا مردم نگاه دینی را دوست دارند. در کشور ما هم اکثر میراث ادبی‌مان دینی است. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این جایگاه شود، اما ماندگاری اثر وابسته به این است که به دل مردم بنشیند و در یادشان بماند.

♦ **تا به حال از آثارتان اقتباس تلویزیونی و یا سینمایی شده است؟**

من علاقه زیادی به فیلم دارم. همان‌طور که روزی آرزو داشتم کتابی چاپ شده از خودم را ببینم، حالا هم دوست دارم رمان‌هایم و حتی داستان‌های کوتاهم تبدیل به فیلم بشوند. البته فیلمی که درخشان باشد و آرزو نکنم کاش نمی‌ساختم!

♦ **با توجه به اینکه رمان‌ها با اقبال مخاطب همراه بوده، آیا تلاشی برای ترجمه آن‌ها صورت گرفته است؟**

نه اقدام خاصی انجام نشده، اما رمان «رؤیای نیمه‌شب» در بیروت لبنان بدون اجازه من با ناشر ترجمه و چاپ شده است که خوانندگان عرب‌زبان می‌توانند این رمان را بخوانند.